

حیدر اختر

12-06-2012



استاد عبدالمحمد هماهنگ

هنرمندی بود که نیم قرن هنرنمایی کرد

چشمان دوستداران موسیقی در افغانستان و به خصوص در خارج از کشور پراشک شد و دل‌های شان تپیدن گرفت تا خبرمرگ آخرین قافله سالار موسیقی غزل افغانستان یعنی استاد عبدالمحمد هماهنگ را از طریق رادیو ها و یا تلویزیون های شان شنیدند.

این تنها خرابات و خراباتیان نیست که در ماتم و سوگ نبود استاد بزرگ موسیقی نشسته اند بلکه تمام دوستان و علاقمند هنر و آواز استاد هماهنگ در سراسر جهان اندوه گین شده اند.

هندوستان ، در طول چند سال شاهد فروریزی پایه ها و دیوار های خرابات هستند که یکی پی دیگری از بین رفته و استادان مشهور و نامدار موسیقی ما جای شانرا خالی گذاشتند.

باز هم شنیدیم که خرابات درسوگ نشسته و یکی دیگر از هنرمندان والایش را از دست داده است که جایش برای همیشه در جمع هنرمندان خالی خواهد بود

حاجی عبدالمحمد ویا بهتر گفته شود استاد عبدالمحمد هماهنگ نام آشنا و پراوازه برای همه علاقمندان هنرموسیقی بوده و می باشد. وی بیشتر از نیم قرن است که با صدای صاف و رسای خویش در دل مردم جا داشته و دارد .

عبدالمحمد مشهور به بچه طلا در سال 1316 هجری خورشیدی در گذر خواجه خوردک یا خرابات امروزی دیده به جهان گشود. پدرش طلا محمد نام داشت از اینرودر آغاز، در بین دوستان و هم در گذر خرابات بنام « عبدالمحمد بچه طلا» یاد می شد.

پدر هماهنگ در آغاز آواز خوانی می کرد و بعدها منحنیث دلبر با نواز در گروه های هنری سهم می گرفت. زمانی که عبدالمحمد دوره طفولیت را گذشتاند پدرش وی را نزد محمد غازی جهت فرا گرفتن هنر طبله نوازی به شاگردی نشانند و بیشتر از چار سال با انگستان کوچکش بروی زیر وبم طبله هنر آفرینی کرد، زیرا پدرش می دانست که یک هنرمند به خصوص هنرمندی که بخواد سراینده شود نخست باید به تال های طبله بلدیت داشته باشد و موقع خواندن بداند که طبله نواز کدام تال را مینوازد ویا آهنگ که می خواند با کدام تال خوانده شود ویا به اصطلاح می چسپد .

عبدالمحمد مشهور به بچه طلا نخست نزد استاد رحیم بخش زانوزد و از آن استاد گرامی چیز چیزی را فرا گرفت . مدتی زیادی دوام نکرد که وی به حلقه شاگردان استاد شیدا پیوست و استاد شیدا از آواز رسای عبدالمحمد حظ می برد بنا تخلص « شیدایی » بروی گذاشت و مدت زیادی بنام عبدالمحمد شیدایی هنرنمایی کرد. سرانجام عبدالمحمد نزد استاد محمد حسین سراهنگ سرتاج موسیقی افغانستان « گر » ماند و استاد سراهنگ تخلص هنری اش را از « شیدایی به هماهنگ » تبدیل نمود و تا آخرین روزهای که استاد حیات داشت از وی استفاده کرد و به معلوماتش در بخش موسیقی کلاسیک به خصوص در غزل خوانی افزود

خوب به خاطر دارم که در یکی از محافل موسیقی که در کوچه خرابات کابل برپا شده بود و در آن محفل استاد فتح علی خان نیز حضور داشت در جمع هنرمندانی که مجرای دادند یکی هم عبدالمحمد هماهنگ بود که راگی را به زیبایی خواند که مورد علاقه

شرکت کننده گان محفل قرا گردید وزمانی که هماهنگ سٹیژ را ترک می گفت ، استاد فتح علی خان بغل را باز کرده هماهنگ را درآغوش کشیده و هنرش را تحسین کرد »
« 1

عبدالمحمد هماهنگ بعد از آنکه فریضة حج را ادا نمود بنام حاجی هماهنگ شهرت یافت . با اجرای آهنگ های شاد در محافل خوشی هموطنان و مجالس رسمی روز بروز در دل مردم جا پیدا می کرد و به علاقمندانش افزوده میشد. حاجی عبدالمحمد هماهنگ طی مصاحبه که بایکی از بر نامه ها گفته بود که زمانی دولت در کابل آزادی زنان را اعلام داشت و زنان می توانستند بدون چادری در اجتماع داخل شوند وی در همان روز در باغ زنانه کابل برنامه داشت و وی از طریق مکرو فونی که در اختیار داشت این آزادی را برای خانم ها تبریک گفت بود . « 2 »

عبدالمحمد هماهنگ در طول فعالیت های هنری اش از مقام وزارت اطلاعات و فرهنگ و رادیو افغانستان به اخذ جوایز هنری نایل آمده است .

1) جایزه درجه دوم در آواز خوانی کلاسیک در سال 1336 هجری خورشیدی از وزارت مطبوعات وقت .

2) جایزه درجه اول در آواز خوانی فولکلوریک در سال 1342 از ریاست رادیو افغانستان .

3) جایزه هنری به اساس آرای مردم در سال 1347 هجری خورشیدی از رادیو افغانستان

4) جایزه اول آواز خوانی در ماه اسد سال 1362 هجری خورشیدی از کمیته دولتی کلتور رژیم وقت . « 3 »

به یاد دارم که در سال های 1348 هجری خورشیدی رادیو افغانستان برنامه موسیقی غزل داشت و در این برنامه هنرمندان ممتاز به رادیو افغانستان آمده و برای نیم ساعت غزل های ناب را ثبت می کردند و این برنامه بعد از ختم اخبار فارسی یعنی حوالی ساعت 9 شب از طریق امواج رادیو انتشار می یافت

در یکی از روزها نوبت استاد عبدالمحمد هماهنگ بود که جهت ثبت به رادیو بیایید حاجی عبدالمحمد هماهنگ در حالی که چین سبز و پیراهن دلبان سفید در بر داشت وارد استدیو های رادیو شد در حالیکه چشمانش اشک آلود بود به متصدی برنامه گفت که امروز من غزل نمی خوانم بلکه می خواهم آهنگ فلکلوری « آهسته برو » و هم یک چاربیتی « شمالی » را می خوانم .

متصدی برنامه قبول کرد و استاد عبدالمحمد هماهنگ درحالیکه چشمانش پرnm بود با یک سوزی که در دل داشت این دو آهنگ را خواند و چه زیبا خواند که تا امروز در آرشیف رادیو افغانستان موجود است . « 4 »

استاد عبدالمحمد هماهنگ به اثر جنگ های داخلی افغانستان را ترک گفته به کشور همسایه پاکستان مهاجر شد . در ایام مهاجرت هم مردمش را فراموش نکرده جهت اجرای کنسرت ها به کشور های امریکا ، آلمان ، استرالیا ، فرانسه ، هالند ، کانادا ، پولند و مسکو سفر نموده و کنسرتهای را اجرا نموده است .

باشرایط نسبتا بهتری که بعداز سال 2001 نصیب افغانستان شد وباره به افغانستان برگشت ولی خیلی ضعیف و ناتوان ، هماهنگ دیگر آن شوریدی سابق را نداشت زیرا مشکلات مهاجرت همه چیز را از وی گرفته بود مریض وعلیل شده بودسه سال قبل نسبت مریضی قلبی که حاید حالش شده بود جهت تداوی به هندوستان رفت و بعداز عملیات قلب دوباره به وطن برگشت . ولی مریضی قلبی و شگر دامنش را رها نکرد تا اینکه شب 17جوزای سال 1391 مطابق 6 جون 2012 میلادی داعی اجل رالبیک گفته وبه روز پنجشنبه 18جوزا درشهدای صالحین محترمانه خاک سپرده شد روحش شاد باد.

رویکرد ها :

- (1) خاطره نویسنده .
- (2) مصاحبه استاد هماهنگ با رادیوبی بی سی
- (3) سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان نوشته استاد مددی
- (4) خاطره نویسنده .